

پاتریس لومومبا کیست؟

■ Ahmed Ghoneim

■ روزنامه نگار

TRT World ■



TRTWORLD

«مالکوم ایکس» او را بزرگ‌ترین سیاهپوست تاریخ آفریقا خوانده است؛ درست زمانی که بلژیک و ایالات متحده نقشه ترور آن قهرمان را طراحی کردند. نامش «پاتریس لومومبا» بود. رهبر استقلال و اولین نخست‌وزیر جمهوری دموکراتیک کنگو.

بسیاری از او به‌عنوان یک شهید قهرمان یاد می‌کنند؛ نماد ضد امپریالیسم و حامی آفریقای متحد. جملات پاتریس در سخنرانی مشهور به استقلال، امید را به جان و زندگی مردم کنگو برگرداند: «جمهوری کنگو اعلام می‌کند که اکنون سرزمین ما به فرزندان حقیقی آن تعلق می‌گیرد. ما عدالت اجتماعی را اقامه می‌کنیم تا خاک سرزمین مان به‌درستی مورد انتفاع فرزندان باشد».

لومومبا در ۱۹۲۵ در روستای اونالوا در استان کاسایی به دنیا آمد. کشور او، جمهوری دموکراتیک کنگو آن زمان یکی از مستعمره‌های بلژیک بود. لومومبا جوان برای کار به شهر کیندو پورت امپاین رفت؛ جایی که نگارش مقاله‌ها و شعرهایش را برای مجلات کنگو شروع کرد. در ادامه به پایتخت یعنی لئوپولدویل که امروزه با اسم کینشاسا

معروف است، نقل مکان کرد. به عنوان کارمند پست شروع به کار کرد و در ادامه در اداره پست شهر استنلی‌ویل که امروزه به‌نام کینسی‌گانی شناخته می‌شود، حسابدار شد. در طول این مدت همچنان به‌صورت فعال با روزنامه‌های کنگو همکاری داشت. در ۱۹۵۵ لومومبا رئیس منطقه‌ای یک اتحادیه صنفی متعلق به کارکنان دولت در کنگو شد. در ۱۹۵۶ از طریق وزارت مستعمرات برای یک دوره مطالعاتی به بلژیک دعوت شد. به‌محض بازگشت از آن دوره، به اتهام اختلاس از اداره پست دستگیر شد که آن را سیاسی می‌دانند و به ۱۲ ماه حبس محکوم شد.

در بدو آزادی، جنبش ملی کنگو را راه‌اندازی کرد. اولین حزب سیاسی سراسری در کنگو. در ۱۹۵۸، همان سالی که حزبش را راه‌اندازی کرد، در اولین اجلاس ملت‌های آفریقایی در شهر اکرا پایتخت غنا شرکت کرد. نگاه و سخنان پان آفریقایی او در جلب‌توجه و تغییر نگاه در سراسر قاره آفریقا مؤثر بود.

با توجه به شور و غیرت ملی‌گرایانه و درگیری‌های ضد استعماری و استقلال‌خواهانه شکل گرفته، دولت بلژیک انتخابات منطقه‌ای را در دسامبر ۱۹۵۹ اعلام کرد. جنبش ملی لومومبا قصد داشت این رقابت را تحریم کند؛ چرا که آن را تلاشی غیرقانونی برای برپایی یک دولت دست‌نشانده می‌دانستند. در اعتراض، انتخابات را تحریم کردند و مسئولان بلژیکی با سرکوب پاسخ دادند. ۳۰ کنگویی در استنلی‌ویل کشته شد و لومومبا به اتهام ایجاد آشوب دستگیر شد. بعد از این وقایع جنبش ملی کنگو تاکتیک خود را تغییر داد و تصمیم گرفت در انتخابات شرکت کند. پس از یک پیروزی وسیع با ۹۰ درصد آرا، آزادی لومومبا را به‌منظور بحث درباره تشکیل دولت و استقلال ملی درخواست کردند و در ۱۹۶۰



لومومبا اولین نخست‌وزیر کشورش شد.

در روز استقلال در حالی که پادشاه بلژیک نیز حضور داشت، لومومبا یک سخنرانی پر شور به‌عنوان شاخص و راهنمایی برای مبارزات ضد امپریالیستی در آفریقا و جهان ارائه داد. «هیچ کنگویی با شرف نمی‌تواند فراموش کند که ما جنگیدیم و پیروز شدیم. نبردی که طی آن از هیچ تلاش و محرومیت و قطره خونی دریغ نکردیم».

بلافاصله بعد از استقلال کنگو و آغاز نخست‌وزیری لومومبا، واحدهای ارتش عمدتاً به خاطر اعتراض به فرمانده بلژیکی خود شورش کردند. بلژیک ۶ هزار نیروی نظامی را تحت عنوان حفاظت از بلژیکی‌های کنگو فرستاد. روز بعد مردی به‌نام «موسی چومبه» از این کشمکش قدرت استفاده کرده و جدایی استان سرشار از ثروت‌های معدنی کاتانگا را از کنگو با حمایت بلژیک و کمپانی‌های معدنی اعلام کرد که در حقیقت یک حرکت خائنانه بود. نظامیان بلژیکی از شورش‌های چومبه حمایت و حفاظت کردند. آنها برای تأمین امنیت منبع سرشار از ثروت استعماری خود و خنثی کردن حکومت لومومبا وارد شده بودند. برای تقریب به ذهن باید بدانیم که ایالات متحده از اورانیوم کنگو در بمب‌های ناکازاکی و هیروشیمای استفاده کرده بود. کنگو برای آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش بسیار اهمیت داشت.

لومومبا چاره‌ای نداشت جز آنکه از سازمان ملل متحد برای اخراج نیروهای بلژیکی و کمک به بازگرداندن نظم داخلی استفاده کند. از آنها خواست تا شورشیان را در کاتانگا سرکوب کنند، اما نیروهای سازمان ملل اجازه‌ای مبنی بر این کار دریافت نکردند. لومومبا سران کشورهای آفریقایی را در لئوپولدویل جمع کرد و حمایت تمام‌عیار آنها را برای سرکوب شورشیان و وحدت جمهوری دموکراتیک کنگو درخواست کرد. دولت او بر بازگشت به ارزش‌های آفریقایی به‌جای استفاده از ایدئولوژی‌های وارداتی از غرب و شرق تمرکز کرده بود.

در داخل نیز رئیس‌جمهور کاساویو در مقابل او قرار داشت و رویکرد معتدل غرب‌گرایانه‌ای را می‌پسندید. او لومومبا را در کمتر از ۳ ماه در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۶۰ بدون رأی پارلمان از سمتش برکنار کرد، اما لومومبا به دلایل قانونی زیر بار نرفت. چند روز بعد، ژنرال ارتش «موبوتو سسه‌سوکو» با حمایت بلژیک و آمریکا کودتا کرد. موبوتو به یک قرارداد همکاری با کاساویو رسید و سازمان ملل تصمیم گرفت تا مشروعیت دولت کاساویو-موبوتو را به رسمیت بشناسد. هنگامی که لومومبا تلاش می‌کرد تا از حبس خانگی فرار کند، موبوتو بار دیگر لومومبا را دستگیر و او را به سمت نیروهای جدایی‌طلب کاتانگا فرستاد. با لومومبا و دو تن از یارانش در زمان اسارت برخورد تأسف‌باری شد و نهایتاً در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ توسط یک جوخه ترور به همکاری بلژیکی‌ها اعدام شدند. ابتدا آنها را در قبرهای کم‌عمقی انداختند، اما در ادامه تحت فرمان افسران بلژیکی، پس از نبش قبر، بدن‌ها را قطعه‌قطعه و در اسید حل کردند و بقایای اجساد را سوزاندند.

مرگ لومومبا به آفریقا و جنبش‌های ضد استعماری جهانی شوک وارد کرد. در سال ۲۰۰۲ بلژیک از مردم کنگو به خاطر نقش‌اش در ترور لومومبا عذرخواهی کرد. در ۲۰۱۳ وزارت خارجه آمریکا اقرار کرد که رئیس‌جمهور آیزنهاور دستور قتل لومومبا را صادر کرده بود. به‌علاوه برخی مدارک نشان می‌دهد که دیپلمات‌های فرانسوی در آفریقا نیز به‌دنبال حذف رهبر کنگو بودند.

ترور او هنوز کنگو را به ذهن متبادر می‌کند، اما میراث او زنده است. امروزه حتی یک میدان در بلژیک به‌نام او نامگذاری شده است. لومومبا تا ابد به‌عنوان یکی از پدران استقلال کنگو در یادها خواهد ماند؛ به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین رهبران آفریقا و مردی که از سرپیچی و به‌چالش کشیدن استعمار ابایی نداشت. نه به خاطر خودش بلکه به خاطر مردمش؛ شرافتی که به قیمت جان او تمام شد.